

# ناقوس



## در این نشریه

- ۱- سرمقاله
- ۲- اخبار
- ۲- مسیح و من
- ۳- رازگهان
- ۳- اعتماد و اطاعت
- ۳- سخنی از زنان مسیحی
- ۴- سخنی از جوانان مسیحی

### انتشارات

### خدمات جهانی فارسی زبان

- ♦ زیر نظر گروه نویسندگان
- ♦ گردآورنده: ناهید



ناقوس

Bell

## سرمقاله: چگونه صیاد مردم در این جهان باشیم

در این جهان باشیم؟ آیا فکر می کنید که هر کدام باید روش مخصوص برای رساندن مژده انجیل بکار ببریم؟

چگونه می توانیم مردم را از گناه انسان، و عاقبت آن، فیض خداوند و "نجات" بوسیله عیسی مسیح با خبر سازیم؟

آیا بهتر نیست که از "عیسی مسیح خداوند" بخواهیم که راههای بهتری برای صید مردم به ما نشان بدهد؟

طعمه بزرگ برای قلابش استفاده کند و سپس تور را به عمیقترین نقطه اقیانوس رها کرد. من او را با دقت نظاره کرده سنگینی تور را احساس می کردم ولی چهره سوخته پیرمرد در زیر آفتاب با شادمانی می درخشید.

عیسی مسیح به پطرس و اندریاس نیز راه صیدکردن انسان را اینطور آموخت. به آنها فرمود: "به دنبال من بیایید من به شما نشان خواهم داد که چگونه مردم را صید کنید."

متی فصل ۴ آیه ۱۸-۱۹

ما امروز پیروان عیسی مسیح چگونه می توانیم صیاد مردم

در کنار اقیانوس قدم می زدم. ماهیگیر پیری را دیدم که با شوق فراوان مشغول ماهیگیری بود. آفتاب به شدت می تابید صبر و شکیبایی این پیرمرد ماهیگیر برایم شگفت انگیز بود. او تور ماهیگیری را مرتب به عمق دریا می انداخت، ولی چون آن را بالا می کشید هیچ صیدی در آن نبود.

ناگهان چشمش به صورت من افتاد. لبخندی زد و گفت باید شیوه ماهیگیری خود را عوض کنم و گرنه صیدی نخواهم یافت. سرم را به اشاره این که راست می گوید به او تکان دادم. ماهیگیر این بار سعی کرد از

عید نوروز بر شما هموطنان ایرانی و افغانی خجسته باد.

با اندوه فراوان در گذشت شادروان کشیش سرژی بساراب

(Rev. Serghei Basarab) را در تاجیکستان به اطلاع مسیحیان جهان می‌رسانیم. شهید کشیش سرژی ۱۲ ژانویه ۲۰۰۴ در منزل

شخصی خود در هنگام دعا و نیایش با عیسی مسیح خداوند بود، که با شلیک چندین گلوله مورد سوء قصد متعصبین مذهبی قرار گرفت و در گذشت. طبق گزارش سازمان جهانی مسیحیان تعمیدی او دهمین پیرو عیسی مسیح بود



### عیسی مسیح و من: چگونه من شاگرد عیسی مسیح شدم؟ "این است شهادت من"

کلیسا می‌شد. خانواده ام از این بابت در نگرانی بسر می‌بردند ولی من در دل خود هیچگونه ترس و نگرانی حس نمی‌کردم. با تمام وجودم به عیسی مسیح خداوند ایمان آوردم، از آن روز به بعد بود که خداوند تمام مشکلات را از سر راه زندگی من برداشت و مرا برکت داد.

من در عیسی مسیح خداوند زندگی می‌کنم و دارای یک همسر مهربان و یک پسر شیرین هستم که ایمان دارم هر دو نفر این عزیزان را خداوند به من عطا کرده است. اعتراف می‌کنم که ما سه نفر در زندگی از مراحل سختی عبور کردیم و در تمام این مراحل خداوند با قوت عظیم خود ما را حفظ کرده. همچنین ایمان دارم که آینده در دستهای قادر اوست. از س. ه

در تهران دعوت کرد.

در همین روزها بود که من به سختی در مورد مذاهب گوناگون تحقیق می‌کردم ولی هیچیک از آنها مرا به رسیدن خداوند و شناخت او راهنمایی نمی‌کرد. این شخص به من گفت اگر به کلیسا بروم شاید جواب تمام سئوالم را پیدا کنم. شب کریسمس بود که همگی در کلیسا حاضر شدیم. چشمم به آیه ای از کتاب مقدس خورد که روی دیوار کلیسا نصب شده بود: "و او "خدا" آنقدر جهان را محبت نمود که پسر یگانه خود را داد، که هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد"

کتاب یوحنا فصل ۳ آیه ۱۶

در کلیسا محبت مردم به همدیگر برایم بسیار جالب بود که چطور با فروتنی همدیگر را در آغوش می‌گرفتند و به هم تبریک کریسمس می‌گفتند. بعد از آن روز سعی می‌کردم که هر یکشنبه برای دعا و نیایش در کلیسا حاضر شوم. ولی هر بار مشکلات بزرگی مانع رفتن من به

من در یک خانواده مسلمان بدنیا آمدم. از آن چه که به یاد دارم این است که، در اوایل جوانی خود هیچ شناختی از خداوند نداشتم. والدینم برای هیجدمین سالگرد تولدم جشن بزرگی را تدارک دیده بودند. در این جشن یکی از نزدیکترین اقوام ما نیز حضور داشت که به تازگی از کشور ژاپن برگشته بود. رفتار و کردار این شخص کاملاً با گذشته فرق می‌کرد. او عوض شده بود، و این خود برای همه ما حیرت آور بود. از خود پرسیدم که چه چیز در زندگی انسان اتفاق می‌افتد که او را این چنین عوض می‌کند؟

او از صدای جذابی برخوردار بود و ماهرانه گیتار می‌نواخت. تمام سرودهای او به زبان انگلیسی بود. یکی از مهمانان که به زبان انگلیسی تسلط کامل داشت از ایشان پرسید که آیا به تمام کلمات این سرودها ایمان دارد؟ او گفت بلی.

سرودهایی که می‌خواند در مورد عیسی مسیح و برای ما جالب بود و یکروز هم تمام خانواده ما را به کلیسای فارسی زبان

## ”رازگهان: ”با کسانی که از شما نفرت کنند احسان کنید.“ کتاب لوقا فصل ۶ آیه ۲۷

و برده داران سابق خود را نزد مسیح آورد. باشد که شکنجه گران خود را نزد نجات دهنده بیاوریم. در مورد کسی ببندیشید که بیشترین خیانت را به شما کرده است، آنگاه هدف افتخار آمیز خود را اینگونه قرار دهید که او را بسوی توبه هدایت نمایید.

از کتاب رازگهان

نامه ای در دست به پاتریک نزدیک شد و پاتریک نامه را گشود، چنین خواند:

”صدای ایرلندها“ سپس صدای ایرلندی های بسیاری را شنید که فریاد می زدند ”ای نوجوان مقدس، از تو استعفا داریم که نزد ما بیایی و بار دیگر در بین ما بخرامی.“ برای یک برده فراری، دوباره اسیر شدن به معنی مرگ می بود. اما دل پاتریک پر از محبت بود، و خطر برای او بحساب نمی آمد. در همان اثنا او گناه بزرگی را نزد یک کشیش اعتراف کرد. این امر باعث شد که گناه او بطور علنی بر همگان آشکار شود، لذا کلیسا دیگر نمی توانست پاتریک را به ایرلند بفرستد. بنابراین، وی به میل خود نزد ایرلندی ها بازگشت



با خدا  
راز و نیاز کردن

پاتریک مقدس ”اعترافات“ خود را با این کلمات آغاز می کند: ”من پاتریک گناهکار، ناهنجارترین و کمترین تمامی ایمانداران!“

در قرن چهارم، وی که یک انگلیسی بود، بدنبال تاخت و تاز ایرلندی ها، به اسارت و بردگی گرفتار شد. او می بایست در حال گرسنگی و برهنگی، گوسفندان را چوپایی می کرد.

شقاوت ایشان در دل این نوجوان مسیحی، محبتی را نسبت به برده داران برافروخت. بعدها وی موفق به فرار گشت. در انگلستان او آزاد بود که ناگهان رویایی دید. مردی با

خوانندگان عزیز نشریه  
پیشنهادات و نوشته های خود را  
بر ایمان بفرستید. تیم نشریه

## اطاعت و اعتماد: ”نقشه های خداوند امین و با عدالت است“

- کنید.
- برای تغییرات زندگی بهتر است که همواره دعا کنید و در آن آرامش خدا را بطلبید. آن وقت است که خداوند قلب شما را پر از شهامت و شما را از ترسهای زندگی دور خواهد ساخت.
- او راهنمای امینی در زندگی شما خواهد بود و شما را در جای امنی خواهد نشانند.

- بلکه با قلبی شاد به استقبال نقشه های او برویم.
- خداوند امروز با قلب ما صحبت می کند او حکمت خود را بوسیله روح القدس به ما می رساند. اگر در تمام کارهایمان با خداوند مشورت کنیم او راههای بهتری را به ما نشان خواهد داد.
- قدم های زندگی خود را طوری بردارید که مطمئن باشید از خداوند اطاعت می

- روزانه هر کاری را که انجام می دهید به یاد داشته باشید که این کار را برای رضای خداوند انجام می دهید پس آن را درست انجام دهید.
- در هر کاری که انجام می دهید از خداوند شکرگزاری کنید، چون او نتیجه رنج و زحمت شما را برکت خواهد داد.
- خداوند همیشه نقشه های خوب برای ما طرح می کند. پس نباید نگران باشیم.

## سخنی از زنان مسیحی

”اینک من چیز نویی بوجود می آورم و آن الان به ظهور می آید آیا آن را نخواهید دانست؟“

اشعیاء نبی فصل ۴۳ آیه ۱۹

زندگی یکسال گذشته خود را ورق می زنم و به خود می گویم، چه سال کوتاهی بود... یکسال دیگر نیز سپری شد. در سال گذشته شاید فرصتهایی بود که می توانستم از آنها بهتر استفاده کنم. شاید هم چون همانطور که گذشت برکات بهمراه داشت. به سالی که گذشت می اندیشم که خداوند چه تحولات پر

خداوند عیسی مسیح شکر می کنم. سال نو و بهار نو از راه می رسند. دستهای خود را بطرف خداوندان عیسی مسیح دراز کرده و از او تقاضا می کنم که ما را بسوی خود بخواند تا بتوانیم با کمک روح القدس کلیسای او را جلال دهیم. بیایید سعی کنیم که هر روزه رابطه خود را با خداوند عیسی مسیح تازه کنیم تا بتوانیم کارهای تازه برای او انجام دهیم. آمین

برکتی در زندگی من انجام داد که باعث شادی در زندگی من شد.

در سال گذشته بود که عضو یک کلیسای مشایخی ”پرزپتری“ آمریکایی شدم، همواره می پنداشتم که کلیسای دلخواه خود را برای همیشه پیدا کردم و با تمام احساس قلبی خود، در این کلیسا خدمت می کردم بی خبر از اینکه خداوند برایم نقشه تازه ای داشت. همان سال بود که به کلیسای ایرانیان ملحق شدم، بعد از آن هر روزه شاهد رشد و برکت در این کلیسا هستم و برای تمام عطایا و برکات



## خدمات جهانی فارسی زبان:

هدف: نشان دادن محبت عیسی مسیح به مردم ایرانی و افغانی.

تاریخ تاسیس: ۱۹۹۸ میلادی.

نوع خدمات؛

- ۱- آموزشگاه کتاب مقدس ایرانی و افغانی: آموزش کتاب مقدس و پرورش دادن خدمتگزارانی فروتن، حکیم، مطیع، بخشنده و پراز روح خدا.
- ۲- فرستادن خادمین ایرانی و افغانی برای خدمت به هموطن خود.
- ۳- تاسیس کلیسا در جامعه مسیحی.
- ۴- همکاری با سایر مسیحیان جهان.
- ۵- پخش کتاب، ویدیو، دی وی دی، کاست، سی دی و جزوات مسیحی.
- ۶- کمکهای انسانی به مردم ایران و افغانستان.

## سخنی از جوانان مسیحی

چک را پدرم آماده کرده بود که با آن بتوانم همانروز ماشین دلخواه خود را نقد بخرم. چشمانم پر از اشک شد. چک را به دست گرفتم و لحظه ها به آن خیره شدم و به فکر فرو رفتم. سرم را لابلای دستهایم گرفتم و های های گریستم و از خداوند طلب آمرزش کردم و به یاد آوردم که خداوند عیسی مسیح فرمود:

خود را بیازمایید و خود را امتحان کنید تا بفهمید آیا ایمانی که دارید ایمان حقیقی است یا نه؟

کتاب دوم قرنیتیان فصل ۱۳ آیه ۵



دبیرستان در یک روز گرم به پایان رسید. پدر و مادرم با شادی مرا در بغل خود گرفته و پدرم یک هدیه به دست من داد با عجله آنرا باز کردم. آن یک جلد کتاب مقدس بود. یادم هست که آنرا با عصبانیت به بیرون از منزل پرت کردم و از خانه بیرون رفتم و دیگر به آنجا بر نگشتم. سالها گذشت روزی برایم خبر رسید که پدرم در گذشته است. تصمیم گرفتم به خانه مان باز گردم و مادرم را تسلی دهم. چون به منزل رسیدم به اتاقش رفتم به وسایل شخصی پدرم نگاهی انداختم، ناگهان چشمم به کتاب مقدسی که پدرم آنرا در گوشه کتابخانه خود جای داده بود افتاد آنرا برداشتم و به دست گرفتم، این همان کتاب مقدسی بود که پدرم آنرا در روز فارغ التحصیلی به من هدیه داده بود و

من آنرا به بیرون پرتاب کرده بودم. کتاب را ورق زدم ناگهان چک پدرم را در آن یافتم. این

خدا پدر  
دلسوز من است

سال آخر دبیرستان بود و نزدیک به روزهای فارغ التحصیلی می شدم. از اینکه به زودی وارد کالج خواهم شد بی اندازه خوشحال بودم. برای رفتن به کالج باید ماشینی تهیه میکردم، ولی پولی که برای خود اندوخته بودم بسیار اندک بود. روزی پدرم گفت که من و مادرت به فکر تهیه هدیه ای برای فارغ التحصیلی تو هستیم، آیا بهتر نیست که از خودت سؤال کنیم؟ با شنیدن این پیشنهاد با خوشحالی فریاد زدم که پدر واقعاً راست می گویند؟ او در جوابم گفت بله پسر. دستهای خود را به گردنش آویزان کردم و گفتم پدر از شما بسیار ممنون هستم ولی می دانید که من برای رفتن به کالج یک ماشین لازم دارم. پدرم گفت یقین بدان که ما آنرا برایت تهیه خواهیم کرد. از این که

می توانستم در تابستان برای خود ماشین داشته باشم بسیار خوشحال بودم. جشن فارغ التحصیلی